

## جهانی شدن و سرمایه اجتماعی

(جامعه مورد مطالعه: شهروندان تهرانی بالای ۲۰ سال)

دکتر نوروز هاشم زهی<sup>۱</sup>

انسیه اصغری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۳/۹

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۸/۵/۱۸

### چکیده

جهانی شدن و سرمایه اجتماعی در ایران حوزه‌ای نسبتاً جدید است که در مقایسه با سایر واقعیت‌های اجتماعی پژوهش‌های کمتری در مورد آن انجام گرفته است. هدف مطالعه حاضر ارزیابی شناخت تأثیر جهانی شدن زندگی بر سرمایه اجتماعی شهروندان تهرانی می‌باشد. این پژوهش به روش پیمایش و ابزار پرسشنامه و شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای در میان حجم نمونه ۳۰۰ نفر از شهروندان در مناطق یک، هفت و هفده کلانشهر تهران می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد، میزان سرمایه اجتماعی و جهانی شدن زندگی شهروندان تهرانی در حد متوسط می‌باشد. از نظر زیمل، گیدنز و فوکویاما جهانی شدن زندگی باعث می‌شود که اعتماد اجتماعی کاهش یابد اما این فرضیه در این تحقیق مورد تأیید قرار نگرفت و بر عکس با افزایش جهانی شدن اعتماد نیز افزایش را نشان می‌دهد. پاتنام و کلمن معتقدند که با وجود جهانی شدن زندگی، همکاری اجتماعی کاهش می‌یابد، اما داده‌های موجود نشان می‌دهد با افزایش جهانی شدن همکاری اجتماعی شهروندان تهرانی افزایش می‌یابد. از نظر پاتنام گرایش‌های جهانی باعث می‌شود مشارکت اجتماعی کاهش یابد، اما این فرضیه نیز در این تحقیق مورد تأیید قرار نگرفت. بنابراین میان همکاری و اعتماد اجتماعی با جهانی شدن زندگی رابطه همبستگی مثبت و مستقیم وجود دارد. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون رابطه علی بین جهانی شدن و سرمایه اجتماعی ضعیف است. تحلیل مسیر، نشان می‌دهد، فقط جهانی شدن زندگی فرهنگی بر سرمایه اجتماعی تأثیر مستقیم دارد. اما جهانی شدن زندگی اقتصادی و سیاسی بر سرمایه اجتماعی تأثیر غیر مستقیم قابل توجهی دارند.

**واژگان کلیدی:** سرمایه اجتماعی، جهانی شدن زندگی فرهنگی، جهانی شدن زندگی اقتصادی، جهانی شدن زندگی سیاسی.

۱. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، تهران- ایران. E-mail: no\_hashemzehi@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی (عضو گروه مطالعات اقتصادی- اجتماعی مرکز پژوهش‌های اجتماعی کند و کاو،

تهران- ایران. E-mail: en\_asghari2012@yahoo.com

## مقدمه

ذات مدرنیسم و فرایند جهانی شدن از عناصر مثبت و منفی زیادی برخوردار است، نقد و انتقاد پیگیر از ارزش‌ها، باورها و هنجارهای حاکم، آزادی اندیشه، آزادی مذهب، آزادی بیان، اهمیت بسیار به علم، جستجوی پیشرفت، توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و تحقق سعادت بشری (نوذری، ۱۳۷۹: ۶۴)، ایمان به عقلانیت معطوف به هدف یا عقلانیت ابزاری و غلبه آن بر صنعت، تکنولوژی و اندیشه مدرن، دولت و اقتصاد (هابرماس، ۱۳۸۴: ۱۹۸)، برخی از جنبه‌های پیشرفت دهنده جهانی شدن هستند. برخی از جنبه‌ها مانند، زوال دین هم در جامعه و هم در ذهن افراد (partridge, 2004: 39)، از خود بیگانگی، بی‌ریزگی، فقدان هویت، تنهایی و انشقاق اجتماعی، توهم و هذیان زایی (نوذری، ۱۳۷۹: ۲۷۶)، اقتصاد مصرفی، عرفی شدن، انطباق با مقتضیات بین‌المللی در زمینه‌های نوع دموکراسی، حقوق بشر، حقوق زنان، تغییر در قوانین داخلی با توجه به قوانین بین‌المللی، سیاست‌ها و استراتژی‌هایی از قبیل شرایط بانک جهانی، سیاست خاورمیانه بزرگ، پروژه دموکراسی، نافرمانی مدنی از جنبه‌های بحران‌آفرین جهانی شدن شمرده شده‌اند. گفته می‌شود، مدرنیته و جهانی شدن به جهات گوناگون عرفی شدن را در ایران افزایش داده‌اند (شمسینی غیاثوند، ۱۳۸۵: ۲۲۰). از سوی دیگر تاکید می‌شود که، یکی از تأثیرات جهانی شدن بر ایران تسریع تقابل سنت و مدرنیته می‌باشد. با این توضیح که جهانی شدن به تدریج مدرنیته را از غرب جدا می‌کند و از طریق نفوذ خود در کشورهای غیر غربی تضاد سنت و مدرنیته را رشد می‌دهد، اما این مسأله به منزله نفی یکی و پذیرش دیگری نیست، بلکه به منزله آن است که فرهنگ‌ها، بینش‌ها، شخصیت‌ها، آزادی افکار انسان‌ها (به خصوص در جوامع غیر غربی هم‌چون ایران) دوگانه و دوساحتی می‌شوند (همان: ۲۱۷). جامعه سنتی قبل از مدرنیته شدن کوچک و غیر پیچیده بوده است. در جامعه سنتی، مردم وظایف اجتماعی و عقاید شبیه هم داشتند. جوامع از طریق دین و آیین‌های مذهبی با هم متحد بودند. دین به تعلیم و تربیت، اجتماعی کردن مردم، قانون و انجام شعائر دینی در چنین جوامعی و همین‌طور فراهم کردن یک برنامه اخلاقی کمک می‌کرد. اما همان‌طور که جامعه به سمت مدرنیته شدن پیش می‌رود، راه‌های قدیمی را نیز دور می‌اندازد، چرا که با زندگی مدرن متناسب نیستند. جامعه مدرن، جامعه‌ای متمدن، گسترده و پیچیده است. اتحاد پیشین زندگی سنتی فرو می‌پاشد، همان‌طور که وحدت عقاید فرهنگی و ایده‌ها از بین می‌رود. وسعت همه جانبه جامعه مدرن مستلزم ایجاد و گسترش نهادهای تخصصی مانند مدرسه‌ها، بیمارستان‌ها، دادگاه‌ها، دولت‌ها و ... است تا نقشی را که قبلاً گروه‌های کوچک یا اشخاص و عقاید خاص به عهده داشتند، جانشین شوند. دین نمی‌تواند با چنین سازمان‌هایی رقابت کند. بنابراین عوض می‌شود و شروع به از دست دادن نقش اجتماعی خود می‌کند. جهانی شدن گونه‌هایی از سبک زندگی معنوی را پدید می‌آورد که شاخصه‌های تکثرگرایی، شک‌گرایی، احساس‌گرایی و خودمحوری معنوی در آن‌ها مشهود است، برخی از آن‌ها زنان و حقوق خانواده را فرودست تلقی می‌کنند، در حالی که برخی دیگر مدعی حمایت از حقوق زنان هستند و خانواده‌گرا

می‌باشند. برخی بر اعمال معنوی تأکید می‌ورزند و برخی دیگر هرگونه نیاز به آن‌ها را نفی می‌کنند. برخی گروه‌ها در طبقه متوسط قرار دارند و در حال ترقی هستند و برخی دیگر هر گونه اکتساب مادی را رد می‌کنند (همیلتون، ۱۳۷۹: ۳۴۹). جهانی شدن، هر روز جلوه‌های نوینی می‌یابد، با انفجار اطلاعات، ظهور شبکه‌های مجازی اجتماعی، ماهواره و فن‌آوری‌های ارتباطات، حس کنجکاوی بشر را برای درک و شناخت کنه این واقعیت بیرونی تحریک می‌کند. از جمله عوامل مهم جهانی شدن، خلاقیت فن‌آوری در عرصه‌ی ارتباطات و اطلاعات است. به اعتقاد جیمز کلمن<sup>۱</sup> جهانی شدن با سنت‌زدایی از فرهنگ و برقراری حکومت بین‌المللی رسانه‌ها، زمینه را برای یکسان‌سازی جوامع و فرهنگ‌ها به وجود می‌آورد. به نظر وی، انسان در عصر جهانی شدن، فاقد هر نوع هویت ملی و بومی است و به مفاهیمی معتقد می‌شود که ریشه در سنن او ندارند (مؤمنی، ۱۳۹۲: ۱۷۵). یورگن هابرماس<sup>۲</sup> نیز به ظهور فن‌آوری‌های ماهواره‌ای و اطلاعات دیجیتال و تأثیرات آن در فرایند جهانی شدن تأکید کرده است. به نظر وی، در عرصه فرهنگی نوعی همسانی ایجاد شده و فرهنگ طلایی شده آمریکایی نه تنها خود را بر سرزمین‌های دور تحمیل می‌کند، بلکه حتی در غرب نیز معنادارترین تفاوت‌ها را کمرنگ و ریشه‌دارترین سنت‌های محلی را سست بنیان کرده است (هابرماس، ۱۳۸۴؛ نقل از مؤمنی، ۱۳۹۲: ۱۷۷). عصر پست مدرن، به عنوان عصر تصاویر، نمادها، عصر بی‌بنیادی، در هم شکستن روایت‌های کلان و چهل تکه شدن دنیا (شایگان، ۱۳۸۰: ۸۹۰)، و هویت‌های در هم شکسته و نامنسجم و جولان گفتمان مصرف‌گرایانه، و جهانی شونده سرمایه‌داری متأخر توصیف شده است. در این عصر، که عصر بحران‌هاست؛ بحران هویت (هویت‌های از هم گسیخته)، بحران فلسفه، تقلیل امر منطقی و جوهری به امر بلاغی و گفتمانی و بازی‌های زبانی و تحلیل فلسفه در ادبیات (نوذری، ۱۳۷۹: ۲۱۰)، بحران فقدان مبنای مشترک (به واسطه نقد بنیادین خرد، تاریخ خطی و ...)، گفتگوی عرفانی می‌تواند، راه‌حل و راه‌گشایی برای این بحران‌ها باشد. گیدنز، جهانی شدن را پدیده‌ای جدید و هم‌انقلابی می‌داند. او مدرنیته را گردونه عظیم می‌خواند و جهانی شدن را گردونه از کنترل خارج شده می‌داند، گردونه‌ای که هرکس در برابرش مقاومت کند خرد می‌شود. این تریلی رها شده به پیش می‌تازد و دیگر هیچ کس توان مقابله و رو در رویی با آن را ندارد. به اعتقاد گیدنز جهانی شدن فرآیندی تناقض‌آمیز و نابرابر است و سرشار از خطر و فرصت می‌باشد. جهانی شدن از نظر او ترکیبی از اضطراب و رهایی و آمیزه‌ای از آزادی‌ها، مثلاً برای زنان و عدم اطمینان‌ها، مثل بحران هویت است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۴۲). تاریخ صد و پنجاه ساله ایران و خاورمیانه با، اندیشه مدرن و توجه به ناسیونالیسم عجین است و در این جوامع تغییراتی فرهنگی بر نهادهای اجتماعی به بار آورده که این تغییر به نوعی بر چگونگی سرمایه اجتماعی تأثیرگذار بوده است (بهنام، ۱۳۸۳: ۱۷۵). تغییرات اجتماعی در جامعه ایران مانند سیلی است که تغییرات و تحولاتی را در ارزش‌ها و نگرش‌ها و باورهای مردم به وجود

<sup>1</sup> Coleman

<sup>2</sup> Habermas

آورده است. بنابراین در این عصر فقط اطلاعات نیستند که سریع جابجا می‌شوند و انتشار می‌یابند، بلکه جهانی شدن بر روی نوع، شرایط و سطح زندگی روزمره افراد تأثیر گذاشته است. اگر عواملی که دارای تأثیرات مثبت و منفی بر سرمایه اجتماعی شهروندان هستند به خوبی شناسایی شوند و در جهت تقویت عوامل مثبت و کاهش عوامل مخرب برنامه‌ریزی شود، می‌تواند بسیاری از بحران‌ها و نارسایی‌ها مه‌ار شود. لذا در این مطالعه با محور قرار دادن رابطه جهانی شدن با سرمایه اجتماعی، پرسش‌های زیر دنبال می‌شود:

۱. میزان جهانی شدن در میان شهروندان تهرانی چه اندازه می‌باشد؟
۲. میزان سرمایه اجتماعی در میان شهروندان تهرانی چه اندازه می‌باشد؟
۳. جهانی شدن چه رابطه‌ای با سرمایه اجتماعی دارد؟

#### پیشینه تحقیق

در مورد رابطه جهانی شدن و سرمایه اجتماعی تحقیقات قابل توجهی انجام نگرفته است. پژوهش‌های داخلی در چند سال اخیر جسته و گریخته به ابعاد هر یک از این دو مفهوم پرداخته‌اند. در پیشینه داخلی و خارجی هر کدام به چند اثر اشاره می‌شود. بیدگلی (۱۳۸۲)، در جامعه‌شناختی میزان تفکر مدرن؛ این پژوهش نشان می‌دهد دیر زمانی است که جامعه ما در معرض مدرنیته و نوسازی قرار گرفته است. برخی شرایط مانند میزان شهرنشینی، آموزش و سطح تحصیلات، وسایل ارتباط جمعی بر مدرنیسمون یک جامعه تأثیر دارد. شکریگی (۱۳۸۶)، در رساله مدرن‌گرایی و سرمایه اجتماعی خانواده؛ این تحقیق تأثیر نوگرایی و تجدد را در خانواده و رابطه‌اش با سرمایه اجتماعی خانواده مورد بحث و بررسی قرار داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد، که هر چه میزان تجددگرایی خانواده‌ها بالا رود به طبع در سرمایه اجتماعی خانواده‌ها تأثیرگذار است. مورفی (۱۳۸۲)، در مدیریت بحران و سرمایه اجتماعی، این تحقیق نشان می‌دهد که افراد میانسال، افراد پر درآمد با تحصیلات بالای متوسطه بیش از دیگران مایل به مشارکت بودند. پاناو ان دیسای (۲۰۱۰)، در مقاله جهانی شدن، نوآوری و سرمایه اجتماعی، نتایج این تحقیق نشان داد که فرایند جهانی شدن روند همکاری را تغییر می‌دهد.

#### مبانی و چهارچوب نظری

##### نظریه‌های جهانی شدن

سن سیمون<sup>۱</sup> بر چیده شدن مرزهای ملی را آرزو می‌کرد. از دیدگاه او، صنعتی شدن و جامعه‌شناسی (علم الاجتماع) دو نیرو و یا عامل مؤثر در فرایند جهانی شدن به شمار می‌آیند. به نظر سن سیمون،

<sup>۱</sup> Saint Simon

صنعتی شدن ذاتاً فرایندی گسترش طلب است و توسعه چنین فرایندی در جوامع غیر اروپایی، فراگیر شدن فرهنگ اروپایی را در پی خواهد داشت. بدین ترتیب صنعت و اقتصاد در خدمت همگونی فرهنگی و در نهایت در خدمت شکل گیری جامعه جهانی قرار خواهد گرفت. جامعه شناسی هم که انسان را چونان یک موجود اجتماعی، بررسی می کند، نقش مهمی در متحد ساختن انسان ها بازی خواهد کرد. پس صنعتی شدن و علم بازتاب منطق گریزناپذیر جهان گرایی و همبستگی پیشرفته جهانی است (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۹۴). بنابراین از نظر سن سیمون، اقتصاد و جامعه شناسی باعث شکل گیری جامعه جهانی می شوند. مک لوهان<sup>۱</sup> را می توان از مهم ترین نظریه پردازانی دانست که نگاهی فرهنگی به جهانی شدن دارد. از نظر او، اصل تعیین کننده فرهنگ ما نه محتوای آن، بلکه نقش رسانه ای است که فرهنگ از طریق آن منتقل می شود. از نظر او، رشد رسانه الکترونیک به موازات دیگر جنبه های ارتباطی، سبب شکل گیری شبکه ارتباطی جهانی شده است که موجب جهانی شدن فرهنگ می شود (شهرام نیا، ۱۳۸۶: ۷۱). گیدنز<sup>۲</sup> بر جنبه فرهنگی و اجتماعی فرایند جهانی شدن تأکید می کند و آن را فراتر از شکل گیری نظام جهانی می داند. برای درک درست جهانی شدن باید به نحوه گسست از جامعه سنتی و گذر به جامعه مدرن پی برد. گیدنز ابزار دست یابی به چنین درکی را توجه به جایگاه فضا و زمان و فرایند تحول آن ها می داند. گیدنز از دو مکانیسم صحبت می کند و آنها را شناسایی می نماید، نشانه های نمادین و نظام های تخصصی. نشانه های نمادین ابزارها یا واسطه های مبادله هستند که ارزشی استاندارد دارند و بنابراین در حوزه ای بسیار گسترده و انواعی از جوامع و بسترها می توان آن ها را مبادله کرد. بارزترین و قدیمی ترین نمونه چنین نشانه هایی پول است، که زمان و فضا را در گستره نامتناهی به یکدیگر نزدیک و ترکیب می کند، چرا که ابزار اعتبار است و ارزش استاندارد آن امکان مبادله میان شمار زیادی از افراد را ممکن می سازد که هرگز یکدیگر را ندیده اند. نظام های تخصصی نیز به واسطه رواج دادن انواع دانش فنی دارای اعتباری مستقل از کاربرها و بهره مندان آن ها، زمان و فضا را پیوند می زند. چنین دانش هایی همه جنبه های زندگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهند و در بسترهای بسیار گسترده قابلیت کاربرد دارند، مانند دانش پزشکی و فنی. گیدنز این دو مکانیسم را نظام های انتزاعی می نامد، که به هیچ روی مکان مند نیستند. کاربرد نظام های انتزاعی اساساً نیازمند اعتماد هستند. گرچه جدایی زمان و فضا و فرایند بی بستر شدن کنش ها و روابط اجتماعی، گستره چنین کنش ها و روابطی را بسیار فراخ تر ساخته، اعتماد کردن به نظام های بی مکان و غیر شخصی را هم گریزناپذیر کرده است. امروزه کسی نمی تواند تصمیم به کناره گیری از تحولات جهانی بگیرد. مثلاً نسبت به خطرات احتمالی یک جنگ هسته ای بی تفاوت بماند. هر رویداد یا تحول محلی می تواند بازتاب ها و تأثیراتی جهانی داشته باشد. از این دیدگاه میزان جدایی فضا و زمان چنان زیاد است که برای نخستین بار در تاریخ بشر، فرد و جامعه در بستر و محیط جهانی به هم مرتبط شده اند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۲۰). مالکوم

<sup>۱</sup> Marshall McLuhan

<sup>۲</sup> Anthony Giddens

واترز<sup>۱</sup> نظریه‌پرداز دیگری است که با بهره‌گیری از نظریه‌هایی پیشین و ترکیب آن‌ها، به ترکیب و مفهوم-بندی فرایند جهانی شدن می‌پردازد. او برای ارائه تصویری مطلوب و مناسب از فرایند جهانی شدن ابتدا می‌کوشد دنیای کاملاً جهانی شده را تعریف کند. واترز هم به جنبه عینی و مادی جهانی شدن نظر دارد و هم به جنبه ذهنی آن یا عنصر آگاهی. البته عنصر آگاهی در نظریه واترز اهمیت ثانویه دارد (گل-محمدی، ۱۳۸۰: ۴۹). واترز در کتاب جهانی شدن اشاره می‌کند که در اغلب بررسی‌های نظری، آثار جهانی شدن در سه عرصه زندگی اجتماعی مهم و اساسی تلقی شده‌اند عبارتند از: ۱. عرصه اقتصادی، مشتمل بر نظام‌های اجتماعی خاص تولید، مبادله، توزیع و مصرف کالاها و خدمات مادی. ۲. عرصه سیاست و حکومت، مشتمل بر نظام‌های اجتماعی مخصوص تمرکز و اعمال قدرت به ویژه در مبادله سازمان یافته مبتنی بر اعمال فشار و نظارت، از طریق نیروی نظامی، پلیس و نظایر آن و نیز نهادینه شدن، این اقدامات در قالب اقتدار سیاسی دیپلماسی به تثبیت کنترل بر جمعیت و سرزمین منجر می‌شود. ۳. عرصه فرهنگ، مشتمل بر نظام‌های اجتماعی خاص تولید، مبادله و نمادهایی که گویای واقعیت‌ها، احساسات، مفاهیم، اعتقادات، الویت‌ها، ذوق‌ها و سلیقه‌ها است (زاهدی، ۱۳۸۲: ۳۴۲). اسکلیر<sup>۲</sup> معتقد است، افزایش و گسترش روابط و کنش‌های فراملی در گستره جهانی باعث جهانی شدن اقتصاد، سیاست و فرهنگ شده است.

### نظریه‌های سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی برای جیمز کلمن<sup>۳</sup> وسیله‌ای جهت تبیین نحوه همکاری و تعاون اجتماعی افراد با یکدیگر بود. تعریف کلمن از سرمایه اجتماعی پلی بین فرد و جمع ایجاد کرد. او مسلماً سرمایه اجتماعی را به عنوان دارایی فرد در نظر می‌گیرد، اما آن را ساخته منابع ساختاری می‌داند (فیلد، ۱۳۸۶: ۴۵). جهانی شدن (رفاه) از نظر کلمن باعث می‌شود سرمایه اجتماعی (همکاری) کاهش یابد. رابرت پاتنام<sup>۴</sup>، مفهوم سرمایه اجتماعی را ابعادی از سازمان‌های اجتماعی (مثل شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد) می‌داند که هماهنگی و مشارکت را در جهت منافع متقابل تسهیل می‌کند. این ابعاد خود تقویت کننده هستند و در فرایند توسعه سیاسی انباشت می‌شوند و از سوی دیگر چرخه‌های مثبت، حاصل سطوح بالای همکاری، اعتماد، مبادله، مشارکت مدنی و رفاه جمعی هستند. این خصیصه‌ها، اجتماعی مدنی را باز تعریف می‌کنند. بر عکس، فقدان چنین خصیصه‌هایی در یک اجتماع غیر مدنی نیز خود تقویت کننده هستند. واگرایی، بی‌اعتمادی، بی‌مسئولیتی، استثمار، انزوا، بی‌نظمی را تشدید می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۶). به نظر پاتنام آن چه عامل زوال سرمایه اجتماعی شده است: ۱. درگیری‌های شغلی زیاد و دوشغله بودن والدین به

1. Waters

2. Sklair

3. James Coleman

4. Robert Putnam

خصوصاً مادران که وقت و فرصت آنها برای مشارکت در گروه و خانواده به شدت کاهش یافته است، مخصوصاً مشارکت در انجمن اولیا و مربیان. ۲. شهرهای بزرگ که روابط و امکان دید و بازدید را به لحاظ مسافت و شلوغی، روابط را تضعیف کرده و کمبود وقت و تلاش برای کسب درآمد از عوامل اصلی آن است. ۳. تغییر نسل نیز یکی از علل زوال سرمایه اجتماعی در آمریکا است، یعنی دگرگونی ارزش‌ها و رفتارهای مرتبط با مشارکت‌های مدنی، با تغییر نسل‌ها است. ۴. تلویزیون از جمله مظاهر دوران پست مدرن و از عوامل تضعیف روحیه شهروندی فعال و سرمایه اجتماعی است که پاتنام بر آن تأکید می‌کند (فیلد، ۱۳۸۶: ۶۱-۶۰). تغییر نسل یا سبک زندگی از نظر پاتنام از عوامل فرسایش یا زوال سرمایه اجتماعی (مشارکت، همکاری، اعتماد) است. به نظر فرانسیس فوکویاما<sup>۱</sup>، فرایند فردگرایی، زمینه عدم مشارکت و بروز هرج و مرج در جامعه را به دنبال دارد. به نظر فوکویاما، سرمایه اجتماعی عنصر فرهنگی جوامع مدرن و پیشنیاز فرهنگی و دموکراسی لیبرال باثبات است. فوکویاما ادعا می‌کند که حکومت‌ها می‌توانند سرمایه اجتماعی را حفظ کنند ولی احتمالاً توانایی خلق آن را ندارند و شاید آموزش مهم‌ترین زمینه سیاست عمومی برای تقویت سرمایه اجتماعی باشد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۵-۱۴). مطابق نظر فوکویاما با افزایش فردگرایی میزان سرمایه اجتماعی (مشارکت و اعتماد اجتماعی) کاهش می‌یابد.

#### نظریه‌های تلفیقی

اعتماد از نظر آنتونی گیدنز، نه تنها کلاً در جوامع نوین اهمیت زیاد دارد، بلکه برای نشانه‌های نمادین و نظام‌های تخصصی که در خدمت زندگی بی‌ریشه در جهان نوین به کار می‌روند، نیز مهم است (ریتزر، ۱۳۸۶: ۷۶۸). در جوامع ماقبل نوین که خصلتی محلی و بومی دارند و کنش‌های متقابل بیشتر در سطح محلی و رو در رو رخ می‌دهند، در روابط اجتماعی افراد چنان صراحت و شفافیتی به چشم می‌خورد که نیازی به اعتماد ندارند، زیرا این اعتماد به طور طبیعی وجود دارد. اما در جوامع بزرگ و گسترده که روابط اجتماعی در فاصله زمانی و مکانی بسیار دوری انجام می‌گیرد و افراد درگیر این روابط اجتماعی در فاصله زمانی و مکانی بسیار دوری انجام می‌گیرد و افراد درگیر این روابط کمتر با یکدیگر آشنایی چهره به چهره دارند، به اعتماد از طریق نظام‌های پولی و حقوقی بسیار نیازمندند (همان: ۸۲۲). به نظر گئورگ زیمل<sup>۲</sup> کاهش اعتماد، دوری انسان‌ها از یکدیگر و از هم گسیختگی فرهنگی و کاهش حمایت اجتماعی یعنی پیوندهای عاطفی میان افراد، جوهر زندگی مدرن است و در جوامع جهانی اتفاق می‌افتد. زیمل در مورد جهانی شدن و حتی زندگی کلانشهری می‌گوید از سوی دیگر به دلیل روابط ناپایدار و غیرساختی که در تجددگرایی زندگی شهری وجود دارد و جزئی مهم از زندگی به شمار می‌آید، اعتماد اجتماعی به حداقل خود کاهش می‌یابد و به تعبیر زیمل این حق بی‌اعتمادی در زندگی شهری الزامی است. این دو عامل باعث می‌شود تا انسان کلانشهری در برخوردهای اجتماعی و تعاملی خود احتیاط کند. مراد زیمل از

<sup>۱</sup> Francis Fukuyama

<sup>۲</sup> Georg Simmel

احتیاط، دور نگه داشتن خود از دیگران، بی‌اعتنایی به آن‌ها و محدود نگه داشتن رابطه اجتماع با تعداد محدودی از افراد که محدود شدن و به سوی تنهایی رفتن را در پی دارد. به نظر زیمل زمانی که روابط اجتماعی بعد مذهبی و سنتی خود را از دست دهند، ملاک‌های غیرشخصی از قبیل قانون، منطق، اندیشه و پول بر این‌ها حاکم می‌شود. کاربرد این ملاک‌ها، آزادی فردی و عدالت اجتماعی را افزایش می‌دهد و در عین حال ابعاد عاطفی و احساسی حیات اجتماعی کاهش می‌یابد. مطابق نظر زیمل، هر چه جهانی شدن افزایش یابد، سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی) کاهش می‌یابد. از دید جورج ریتزر<sup>۱</sup>، الگوی فرهنگی (رستوران‌های زودآما یا حضری) از نوع مک دونالد، تهی‌سازی فرهنگ‌ها از ویژگی‌های مطلوب و دلچسب شیوه‌های تهیه خوراک و تغذیه سنتی و خانگی از دست رفتن فضای خودمانی و عاطفی سنتی (خانه و رستوران‌های قدیمی) است. در این شیوه نوین (شعبات جهانی شده مک دونالد) خدمات با کیفیت متوسط و پایین عرضه می‌شود، برخوردها غیرشخصی است، جو سازمانی حاکم است و غذاها شباهتی با غذاهای خانگی ندارند. این رستوران‌های زودآما همه جا نفوذ کرده‌اند و همزمان تأثیر همه جانبه فرایند مک دونالدی شدن را در همه جنبه‌های دیگر زندگی اجتماعی نیز می‌توان دید. نظریه کارت اعتباری شدن ریتزر نظریه‌ای است با همان دلالت‌های مک دونالدی شدن و بازگویی آن است که شیوه استفاده از کارت اعتباری به مثابه نماد مشخصی از نگرش فرهنگ زندگی آمریکایی در فاصله و زمان بسیاری کمی پس از پیدایش در سر تاسر جهان اشاعه یافته است. در این مورد نیز ریتزر ضمن نقد الگوهای کارت اعتباری به نقادی ایده جهانی شدن می‌پردازد. از نظر او کارت اعتباری نوعی تکنولوژی غیر انسانی است و در روابط بین خریدار و فروشنده دخالت می‌کند و به این ترتیب گامی است در جهت خارج ساختن کنترل از دست انسان. براساس نگرش ریتزر کارت اعتباری شدن نیز هم چون مک دونالدی شدن معرف غیرعقلانی شدن عقلانیت است (زاهدی، ۱۳۸۰: ۳۴۰-۳۳۹). مطابق نظریه ریتزر با جهانی شدن (مک دونالدی شدن و کارت اعتباری شدن)، سرمایه اجتماعی (صمیمیت و فضای خودمانی و عاطفی) کاهش می‌یابد. به اعتقاد پیربورديو<sup>۲</sup> سرمایه اجتماعی به عنوان شبکه‌ای از روابط یک ودیعه طبیعی یا حتی یک ودیعه اجتماعی نیست بلکه چیزی است که در طول زمان و با تلاش بی‌وقفه به دست می‌آید. وی معتقد است، بر خورداری افراد از منافع گروهی به واسطه موقعیت آن‌ها در گروه یکسان نیست (شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۲۳). جهانی شدن چون ارتباطات را گسترش می‌دهد از نگاه بورديو ممکن است، سرمایه اجتماعی فرد را افزایش دهد. اولریش بک<sup>۳</sup> معتقد است، که در عرصه جهانی شدن، ما شاهد فرایند فردگرایی یا فردی شدن هستیم. عوامل ساختار بخش سنتی مانند طبقه، قومیت، زبان، روز به روز اهمیت‌شان را از دست

<sup>1</sup> George Ritzer

<sup>2</sup> Pierre Bourdieu

<sup>3</sup> Ulrich Beck



می‌دهند و مردم به طور فزاینده‌ای بر مبنای علایق و منافع فردی دست به انتخاب فردی می‌زنند (ریترز، ۱۳۷۷: ۷۷۴). استنباط از نظریه‌های مزبور در قالب فرضیه‌های زیر ارائه می‌گردد.

### فرضیه‌ها

- هر چه زندگی شهروندان بیشتر جهانی شود، مشارکت اجتماعی آنان کاهش می‌یابد.
- هر چه زندگی شهروندان بیشتر جهانی شود، همکاری و انسجام اجتماعی آن‌ها کاهش می‌یابد.
- هر چه زندگی شهروندان بیشتر جهانی شود، اعتماد اجتماعی آنان کاسته می‌شود.

### تعریف مفاهیم و عملیاتی‌سازی متغیرها

#### سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه اجتماعی، در بر گیرنده مفاهیمی چون، اعتماد، همکاری و همیاری میان اعضای یک گروه یا جامعه است که نظام هدف‌مندی را شکل می‌دهد و منجر به دست‌یابی به اهداف ارزش‌مندی مانند توسعه و پیشرفت می‌شود. رابرت پاتنام معتقد است که سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ کارایی جامعه را بهبود بخشند (تاج‌الدین و سعیدی، ۱۳۸۹: ۴۰). در این پژوهش سرمایه اجتماعی با استفاده از ۳ مؤلفه، مشارکت اجتماعی، همکاری اجتماعی و اعتماد اجتماعی بررسی می‌شود.

#### مشارکت اجتماعی

عبارت است از مجموعه‌ای از مهارت‌ها، قابلیت‌ها و توان‌مندی‌هایی که هر فرد برای زیست در جامعه - ای که در آن زندگی می‌کند، به آن‌ها نیاز دارد و مؤلفه‌های آن عبارتند از: توانایی مشارکت با دیگران، توانایی انجام امور بدون اتکا به دیگران، توانایی اتخاذ تصمیمات منطقی و توانایی رفتار بر اساس اخلاقی و مذهبی مطلوب (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۱). مشارکت اجتماعی به دو بعد رسمی (مدنی) و غیررسمی تقسیم می‌گردد.

الف) مشارکت غیررسمی: افراد می‌توانند به شیوه غیررسمی از طریق انتخاب دوستی‌ها و انواع پیوندهای شبکه‌ای با یکدیگر در ارتباط باشند. به عبارت دیگر هر فردی دارای شبکه اجتماعی است که این شبکه‌ها می‌توانند حاوی انواع رابطه نظیر دوستی یا پیوندهای عاطفی، نزدیکی درفضا، مانند همسایگی یا مجاورت مکانی در اداره، روابط خویشاوندی و نظیر آن باشند. هر یک از این پیوندها دلالت بر کل ذخایر سرمایه اجتماعی فرد دارد (علوی‌تبار، ۱۳۷۹: ۲۳۷). مشارکت غیررسمی همیارانه، جدی گرفتن تبادل کمک، خدمات در انواع روابط شهروندی توسط افراد و هم‌چنین میزان کمک کردن به بیماران صعب‌العلاج مبین این مشارکت است.

ب) مشارکت رسمی: جدا از پیوندهای غیررسمی با دیگران، فرد می‌تواند از طریق عضویت رسمی در

انجمن‌ها و گروه‌های داوطلبانه با دیگران در ارتباط باشد. فعالیتی که در ارتباط با فضای سیاسی، حکومتی، باشگاه‌ها و انجمن‌ها و نیز سازمان‌های دولتی بوده و معمولاً در قالب عضویت رسمی فرد در گروه‌های مختلف خود را نشان می‌دهد و تابع مقررات و سلسله مراتب است (همان: ۷۶). تمایل به عضویت در گروه‌ها و انجمن‌های اجتماعی شامل: میزان شرکت و همکاری در انجمن‌های مختلف، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی سازمان یافته (همان: ۲۳۳). و همچنین میزان تمایل به عضویت در انجمن‌های زیست محیطی سازمان یافته از شاخص‌های این نوع مشارکت می‌باشد.

### همکاری اجتماعی

همکاری اجتماعی معمولاً مفهومی را می‌رساند که بر پایه آن در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضاء به یکدیگر وابسته‌اند و به طور متقابل نیازمند یکدیگر هستند. همکاری اجتماعی همچنین نوعی احساس ارتباط، گرایش، تعامل با دیگران است و منظور از آن احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند (بیرو، ۱۳۶۶: ۴۰۰). همکاری در قالب دو مفهوم میزان توجه و احساس مسئولیت افراد نسبت به یکدیگر و میزان اختلاف و همکاری بین افراد مطرح می‌گردد. منظور از تعامل اجتماعی میزان همبستگی است که بین مردم وجود دارد و به صورت ویژگی‌هایی چون انجام کاری مانند ایثارگری اجتماعی که هیچ سودی برای فرد نداشته باشد (مشهدی، ۱۳۸۸: ۱۲۸). منظور از حمایت اجتماعی، حمایت افراد از یکدیگر به صورت مالی و عاطفی در زمان نیازمندی یا به مثابه بخشی از حیات روزمره (نظیر پول قرض دادن، گوش کردن به درد و دل افراد) می‌باشد که با دو معرف حمایت عاطفی و حمایت اقتصادی بررسی می‌شود.

### اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی دلالت دارد بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی دارند (علی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۲۱). اعتماد در قالب سه سنجه اعتماد رسمی و غیررسمی، اعتماد تعمیم یافته و قابلیت اعتماد به عموم مورد بررسی می‌باشد. ۱. میزان اعتماد غیر رسمی یا اعتماد شخصی: این اعتماد مربوط به سطح اطمینانی است که یک فرد نسبت به اعضای خانواده، دوستان و خویشان و همسایگان خود دارد. ۲. میزان اعتماد رسمی یا کلان: از این وضعیت حکایت دارد که پاسخگو تا چه حدی فکر می‌کند که نهادها و سازمان‌ها منافع جامعه را تأمین می‌کنند. ۳. میزان اعتماد تعمیم یافته: از این وضعیت حکایت دارد که پاسخگو تا چه حدی به غریبه‌ها و سایر افرادی که با آن‌ها سابقه آشنایی ندارد اعتماد می‌کند.

### جهانی شدن

مارتین آلبرو جهانی شدن را به فرایندهایی که بر اساس آن تمام مردم جهان در یک جامعه واحد و فراگیر جهانی به هم می‌پیوندند، تعریف می‌کند (سیدنورانی، ۱۳۷۹: ۱۵۸). با توجه به مطالعات انجام شده در این پژوهش جهانی شدن زندگی روزمره در ۳ حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. جهانی شدن زندگی فرهنگی: جهانی شدن فرهنگی عبارت از شکل‌گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصه جهانی است. این فرایند، موجی از همگونی فرهنگی را در جهان پدید آورده و همه خاص‌های فرهنگی را به چالش می‌طلبد. جهانی شدن در عین این که اقتصادی فراملی در عرصه اقتصاد و جامعه‌ای فراملی در عرصه سیاست به وجود می‌آورد، فرهنگی جهانی را نیز شکل می‌دهد (گل‌محمدی، ۱۳۸۰: ۹۸). این متغیر دو مؤلفه، شیوه زندگی و فناوری اطلاعات و ارتباطات را شامل می‌شود.

۲. جهانی شدن زندگی سیاسی: این بعد از جهانی شدن موجب می‌شود که افراد و گروه‌های قدرت‌مند شده، بتوانند به عنوان گروه‌های ذی‌نفع بر روی دولت‌ها تأثیرگذارند و آن‌ها را تحت تأثیر تصمیمات، برنامه‌ها و خواسته‌های خود قرار دهند. جهانی شدن در عرصه سیاسی، موجب ارتقاء دموکراسی و رشد فرهنگ سیاسی و نگرش‌های مدنی می‌شود. به علاوه تغییر در شیوه‌های سنتی و ایستای نگرش‌های سیاسی ساختار متمرکز قدرت و بینش معطوف به اقتدار یک‌سویه و جایگزین شدن تفکر و آزادی انتخاب در قالب مدل توسعه سیاسی و جامعه‌مدنی، موجب استقرار قدرت و بینش چندسویه فرهنگ سیاسی مبتنی بر آزادی‌خواهی انتخاب محور، توسعه‌گرا و تجویزات عقلانی از دیگر دستاوردهای جهانی شدن در بعد سیاسی محسوب می‌شود (میرمحمدی، ۱۳۸۱: ۶۶). میزان گرایش به آزادی اجتماعات و اعتصابات، میزان گرایش به آزادی بیان، میزان گرایش به دموکراسی در جامعه، میزان گرایش به آزادی مذهب، میزان گرایش به آزادی عقیده این متغیر را می‌سنجد.

۳. جهانی شدن زندگی اقتصادی: بعد جهانی شدن اقتصاد، نوعی نظام بازار آزاد اقتصاد است که حتی به صورت تحمیلی در برخی وجوه روی می‌دهد. یکی از اهداف بنیادی جهانی شدن در عرصه اقتصاد از میان بردن مرزهای اقتصادی و حذف موانع حقوقی- قانونی در کشورهاست. به گونه‌ای که سرمایه‌ها به صورت آزاد در گردش در آیند. نکته دوم در بعد اقتصادی جهانی شدن، حذف موانع و مرزهای گمرکی و جهانی شدن رقابت‌ها است (گل‌محمدی، ۱۳۸۰: ۲۰). گرایش به نوع مصرف کالا (استفاده از کالاهای داخلی)، گرایش به شیوه مصرف کالا (استفاده از غذاهای فست فود، استفاده از مدل‌های جدید گوشی موبایل و استفاده از وسایل مدرن و لوکس در منزل)، گرایش به استفاده از کارت‌های اعتباری جهانی شدن اقتصاد را می‌سنجد.

### روش پژوهش

روش تحقیق، پیمایش و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بود. جامعه آماری شهروندان ۲۰ سال به بالای ساکن در منطقه ۱، ۷، ۱۷ تهران بودند. حجم نمونه ۳۰۰ نفر که به وسیله فرمول کوکران برآورد شد. شیوه نمونه‌گیری، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و واحد تحلیل نیز فرد بود. برای به دست آوردن میزان پایایی سوالات پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد، هم‌چنین اعتبار صوری با مراجعه به داوران و کارشناسان به دست آمده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده گردید.

### یافته‌ها

(۵۲.۳ درصد) مطالعه شوندگان زن (۴۷.۷ درصد) مرد بودند. (۳.۳۹ درصد) مجرد و (۶۰.۳ درصد) متأهل می‌باشند. میانگین سنی و تحصیلات آنان به ترتیب ۳۴ سال و ۱۴.۵ کلاس بوده است. مشارکت اجتماعی با دو سؤال در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته است. مشارکت اجتماعی پاسخگویان در حد بالایی قرار دارد. همکاری اجتماعی با ۶ سؤال مورد سنجش قرار گرفته است. میزان همکاری اجتماعی پاسخگویان در حد متوسط بوده است. اعتماد اجتماعی یکی دیگر از ابعاد سرمایه اجتماعی است که با ۱۲ سؤال در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته است. میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان در حد متوسط بوده است. سرمایه اجتماعی با ۲۰ سؤال در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر وابسته در این تحقیق بوده است که از طریق ۲۰ سؤال با متغیرهای (مشارکت، همکاری و اعتماد) که به صورت scale بوده، مورد سنجش قرار گرفته شده است. از طریق compute کردن میانگین سرمایه اجتماعی پاسخگویان ۱۰۹.۱۱ به دست آمده و حداقل پاسخ به سؤال ۲۸ و حداکثر ۱۷۲ بوده است و با استفاده از حداقل و حداکثر، داده‌ها را به رتبه‌ای تبدیل کرده‌ایم و طبق داده‌های تحقیق از ۳۰۰ پاسخگو که به تمام گویه‌های مربوط به سرمایه پاسخ داده‌اند، ۱۵۰ نفر (۵۰ درصد) دارای میزان سرمایه اجتماعی متوسط، ۱۰۹ نفر (۳۶.۳ درصد) میزان سرمایه اجتماعی بالا و ۴۱ نفر (۱۳.۷ درصد) دارای میزان سرمایه اجتماعی پایین بوده‌اند. می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی در حد متوسط می‌باشد. جهانی شدن زندگی فرهنگی، یکی از سه بعد جهانی شدن زندگی می‌باشد که متغیر مستقل را می‌سازد. این بعد با ۳۱ سؤال در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته است. این تحقیق میزان جهانی شدن زندگی فرهنگی شهروندان تهرانی را در حد متوسط به دست آورده است. جهانی شدن زندگی اقتصادی، با ۳ سؤال مورد سنجش قرار گرفته است. در این تحقیق میزان جهانی شدن زندگی اقتصادی شهروندان تهرانی در حد متوسط می‌باشد. جهانی شدن زندگی سیاسی، از طریق ۶ سؤال در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته است. شهروندان تهرانی از نظر جهانی شدن زندگی سیاسی در حد بالایی قرار دارند. در مجموع جهانی شدن زندگی به عنوان متغیر مستقل در این تحقیق می‌باشد، که

با ۴۰ سؤال در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته است از طریق compute کردن میانگین جهانی شدن ۱۸۸.۵۹ به دست آمده و حداقل پاسخ به سؤال ۶۴ و حداکثر ۳۲۵ بوده است و با استفاده از حداقل و حداکثر، داده‌ها را به رتبه‌ای تبدیل کرده‌ایم و طبق داده‌های تحقیق از ۳۰۰ پاسخگو که به تمام گویه‌های مربوط به جهانی شدن پاسخ داده‌اند، ۱۹۱ نفر (۶۳.۷ درصد) در حد متوسط، ۵۸ نفر (۱۹.۳ درصد) در حد کم و ۵۱ نفر (۱۷ درصد) در حد پایین هستند. بنابراین در کل می‌توان جهانی شدن را در میان شهروندان تهرانی در حد متوسط دانست.

همبستگی جهانی شدن با سرمایه اجتماعی: آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که گرچه از نظر پاتنام جهانی شدن زندگی باعث می‌شود مشارکت اجتماعی کاهش یابد، اما نتایج این تحقیق نظر او را تأیید نمی‌کند. زیمل، گیدنز و فوکویاما معتقدند که جهانی شدن زندگی باعث می‌شود که اعتماد اجتماعی کاهش یابد و این فرایند باعث دوری انسان‌ها از یکدیگر می‌شود. رابطه جهانی شدن و اعتماد اجتماعی معنادار می‌باشد، برخلاف نظر آن‌ها جهت رابطه مثبت و مستقیم است و شدت رابطه در حد متوسط می‌باشد. همچنین پاتنام و کلمن معتقدند که با وجود جهانی شدن زندگی، همکاری اجتماعی کاهش می‌یابد. در این تحقیق نیز رابطه جهانی شدن و همکاری اجتماعی معنادار می‌باشد، اما بر خلاف نظر آن‌ها جهت رابطه مثبت و مستقیم است و شدت رابطه نیز در حد متوسط می‌باشد.

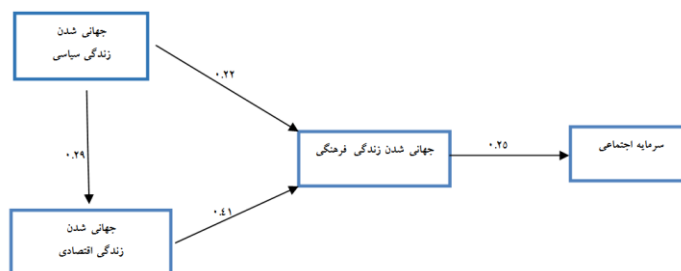
جدول شماره (۱): ضریب همبستگی پیرسون

متغیرها	مشارکت	اعتماد	همکاری
جهانی شدن زندگی	۱۰	۱۴	۱۴
سطح معناداری	۰/۰۷	۰/۰۱	۰/۰۱

تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد، از ابعاد مختلف جهانی شدن فقط جهانی شدن زندگی فرهنگی تأثیرات مستقیم بر سرمایه اجتماعی می‌گذارد. با توجه به اندازه R دو مدل از توانایی بالایی در تبیین پراکندگی‌های متغیر وابسته برخوردار نیست. بنابراین خط رگرسیون توانایی تبیین پراکندگی‌های متغیر وابسته بر حسب تغییرات متغیرهای مستقل را دارد.

در مدل نظری فرض، بر این بود که سه بعد جهانی شدن زندگی (فرهنگی، اقتصادی، سیاسی) بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارند، اما مدل تجربی حاصل از اجرای آزمون تحلیل مسیر به ما نشان می‌دهد که فقط جهانی شدن زندگی فرهنگی بر سرمایه اجتماعی تأثیر مستقیم دارد و ابعاد دیگر جهانی شدن، یعنی جهانی شدن زندگی اقتصادی و جهانی شدن زندگی سیاسی بر سرمایه اجتماعی تأثیرات غیر مستقیم داشته‌اند. جهانی شدن زندگی فرهنگی با بتای (۰.۲۵) به صورت مستقیم و جهانی شدن زندگی اقتصادی (۰.۴۱) به صورت غیر مستقیم و متغیر جهانی شدن زندگی سیاسی (۰.۲۲) نیز به صورت غیر مستقیم بر

میزان سرمایه اجتماعی تاثیرگذار می‌باشند. یعنی در کل می‌توان گفت که ربط علی بین جهانی شدن و سرمایه اجتماعی ضعیف می‌باشد.



شکل شماره (۱): مدل تجربی تبیین رابطه جهانی شدن و سرمایه اجتماعی

### بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق تاثیر جهانی شدن زندگی بر سرمایه اجتماعی شهروندان تهرانی را سنجیده است. جهانی شدن به عنوان متغیر مستقل در سه بعد جهانی شدن زندگی فرهنگی، جهانی شدن زندگی سیاسی و جهانی شدن زندگی اقتصادی و سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر وابسته در سه بعد مشارکت اجتماعی، همکاری اجتماعی و اعتماد اجتماعی سنجیده شده است. در ابتدای این تحقیق سه سؤال مطرح شد: ۱. میزان جهانی شدن در میان شهروندان تهرانی چه اندازه می‌باشد؟ ۲. میزان سرمایه اجتماعی در میان شهروندان تهرانی چه اندازه می‌باشد؟ ۳. جهانی شدن چه تأثیری بر میزان سرمایه اجتماعی گذاشته است؟ جهانی شدن یک فرایند واقعی و جبری است و به معنای تعامل و نزدیکی بیشتر از جمله فرهنگ‌ها می‌باشد. این تحقیق نشان داد که جهانی شدن زندگی در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شهروندان تهرانی رخ داده است و در حد متوسط رو به بالا بوده است. جهانی شدن زندگی سیاسی در حد بالا و جهانی شدن زندگی اقتصادی و فرهنگی در حد متوسط قرار دارد و نتایج این تحقیق در قسمتی که جهانی شدن زندگی فرهنگی و اقتصادی مورد سنجش قرار گرفت، نشان داد که جامعه ما اگر چه گرایشات مذهبی دارد ولی می‌توان گفت که شهروندان از مدرن‌ترین و بهترین وسایل (یخچال، اتومبیل، تلویزیون) استفاده می‌کنند، و این نشان می‌دهد که افراد می‌خواهند جدیدترین کالاهای جهان را در اختیار داشته باشند. تحقیقات زهرا بیدگلی نیز نشان داد که دیر زمانی است که جامعه ما در معرض مدرنیته و نوسازی واقع شده است، بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق نیز زندگی شهروندان تهرانی تا حدودی جهانی شده است. افراد از یک کامپیوتر شخصی و تقریباً همه از یک موبایل برخوردارند که در سال‌های گذشته وجود نداشته است. طرز نگرش و دیدگاه افراد در مورد مسائل مختلف (از جمله ازدواج، تعداد فرزند، نحوه گذران اوقات فراغت، مدیریت بدن) و در کل می‌توان گفت که شیوه زندگی افراد، استفاده از

وسایل فناوری اطلاعات تغییر نموده است. قسمت جهانی شدن زندگی سیاسی نشان داد که افراد از نظر گرایش سیاسی نیز تغییر کرده‌اند، افراد باور به آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی نقد و آزادی عقیده دارند و آن را نیاز جامعه خود می‌دانند. همچنین سرمایه اجتماعی که به عنوان متغیر وابسته بوده در حد متوسط رو به بالا به دست آمده است. اعتماد اجتماعی و همکاری اجتماعی در حد متوسط و مشارکت در حد بالایی قرار دارد. تحقیق عالی شکرایی نشان می‌دهد که بین میزان تجددگرایی و سرمایه اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد. در تحقیق حاضر رابطه علی بین جهانی شدن و سرمایه اجتماعی ضعیف می‌باشد. تحلیل مسیر، نشان می‌دهد تاثیر جهانی شدن زندگی فرهنگی بر سرمایه اجتماعی مستقیم می‌باشد. جهانی شدن زندگی اقتصادی و سیاسی بر سرمایه اجتماعی تأثیر غیر مستقیم قابل توجهی دارند. از هر موضع فکری به جهان در دهه‌های اخیر بنگریم تغییراتی که زمان و مکان و فاصله‌ها را تحت تاثیر قرار داده، مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد جهانی کاملاً متفاوت در حال شکل‌گیری است. در میان، یا در ذیل همه این تحولات، دگرگونی‌ها و تلاطم‌ها، بخش‌های عمده‌ای از انسان‌ها همچنان همانند گذشته ظاهراً ابدی خود گام‌های ابدی بر می‌دارند. اگر تلاش برای عرضه تصویر و تبیین جامع از فرآیند جهانی شدن و اثرات آن نیاز و ضرورتی استراتژیک نباشد، دست کم می‌توان گفت که ضرورتی اخلاقی است که از رسالت جامعه‌شناسی بر می‌خیزد. جامعه‌شناسی که همواره و به طور پنهان و آشکار دغدغه‌ای اخلاقی داشته و مدعی جستجوی منابع و راه‌هایی برای پیشبرد و تسریع فرآیندهای بشر بوده، باید به انسان‌ها بیاموزد که در فرآیند تحلیل رفتن نهادهای سنتی و هویت بخش و ادغام در شبکه‌های غیر شخصی و سیال چگونه ابزارهای جدیدی برای کسب و حفظ سرمایه اجتماعی پیدا کنند. ارتقاء توان بهره‌برداری مفید و موثر از فن‌آوری‌های ارتباطی نوین و امکان تعامل بین فرهنگ‌ها در محیط جهانی و شناخت جنبه‌های آسیب‌آفرین فناوری‌های جدید یکی از این تدابیر است. تقویت و ارتقاء مردم‌سالاری و بالا بردن فرهنگ سیاسی و نگرش‌های مدنی مردم و حضور آن‌ها در عرصه‌های مختلف اجتماعی راهکار دیگری است. لزوم مشارکت در فرآیند جهانی شدن، گذر کردن از اقتصاد دولتی است و همچنین تقویت اقتصاد باز و آزاد و تقویت ظرفیت داخلی و همچنین بازسازی هویت و پاسداری از آن از جمله مهم‌ترین راهکارهای گریز از بحران هویت در عصر جهانی شدن می‌باشد، پیشنهاد می‌شود.

### منابع

- بیدگلی، ز. (۱۳۸۲). *بررسی جامعه‌شناختی میزان تفکر مدرن (دیبیران خانم شهر تهران)*. رساله دکترای دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
- بیرو، آ. (۱۳۶۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه: باقر، ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان. چاپ دوم.
- بیرو، آ. (۱۳۸۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه: باقر، ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان. چاپ چهارم.
- بهنام، ج. (۱۳۸۳). *ایرانیان و اندیشه تجدد*. تهران: نشر و پژوهش فروزان روز. چاپ دوم.
- تاجبخش، ک. (۱۳۸۴). *کاربرد نظریه سرمایه اجتماعی در تأمین اجتماعی*. مجموع مقاله‌های نخستین سمپوزیسم سرمایه اجتماعی در رفاه اجتماعی، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، چاپ اول.

- تاجبخش، ک. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی، تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی. شماره ۱۵۵.
- تاج‌الدین، م؛ و محمدرضا، سعیدی. (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی اجتماعی. تهران: نشر مؤسسه فرهنگی و هنری راه‌دانه.
- پاتنام، ر. (۱۳۸۰). **دموکراسی و سنت‌های مدنی**. ترجمه: محمدتقی، دلفروز. تهران: نشر غدیر.
- خواجه نوری، ب؛ و علی‌اصغر، مقدس. (۱۳۸۸). رابطه بین تصور از بدن و فرایند جهانی شدن مطالعه موردی زنان شهرهای تهران، شیراز و استهبان، **جامعه‌شناسی کاربردی**. سال بیستم.
- خواجه نوری، بیژن؛ علی، روحانی؛ و سمیه، هاشمی. (۱۳۹۰). **فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی زنان**. سال دوم، شماره ۴.
- دیوب، اس. سی. (۱۳۷۷). **نوسازی و توسعه**. ترجمه: احمد، موثقی. تهران: نشر قومس.
- ریتزر، ج. (۱۳۷۷). **نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر**. مترجم: محسن، ثلاثی. تهران: نشر نی. چاپ ۳.
- ریتزر، ج. (۱۳۸۶). **نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر**. مترجم: محسن، ثلاثی. تهران: نشر نی. چاپ ۱۲.
- ریتزر، ج؛ و داگلاس جی، گودمن. (۱۳۹۰). **نظریه جامعه‌شناسی مدرن**. ترجمه: خلیل، میرزایی. عباس لطفی‌زاده. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- رابرتسون، ر. (۱۳۸۵). **جهانی شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی**. ترجمه: کمال، پولادی. تهران: ثالث.
- زاهدی، م، ج. (۱۳۸۲). **توسعه و نابرابری**. تهران: نشر مازیار.
- شهرام‌نیا، الف، م. (۱۳۸۶). **جهانی شدن و دموکراسی**. تهران: نشر نگاه معاصر. چاپ اول.
- شارع‌پور، م. (۱۳۸۸). **سنجش سرمایه اجتماعی در نقاط شهری استان گلستان**.
- شجاعی‌زند، ع. (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران، تهران: **مجله جامعه‌شناسی ایران**. دوره ششم، شماره ۱، ص ۳۴.
- شایگان، د. (۱۳۸۰). **افسون‌زدگی جدید**. ترجمه: فاطمه، ولیانی. تهران: فروزان روز.
- شمسینی غیاثوند، ح. (۱۳۸۵). **نشانگان عرفی‌سازی در گفتارهای سیاسی متعارض ایران**. دانشگاه تهران: رساله دکتری.
- شکرپیگی، ع. (۱۳۷۸). **مطالعه جامعه‌شناختی تجددگرایی و رابطه آن با سرمایه اجتماعی خانواده ایرانی (پژوهشی در شهر تهران)**.
- علی‌پور، پ. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران، **مجله جامعه‌شناسی ایران**. تهران: شماره ۱۰. علوی‌تبار، ع. ر. (۱۳۷۹). **مشارکت در اداره امور شهرها**. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- فیلد، ج. (۱۳۸۶). **سرمایه اجتماعی**. ترجمه: غلامرضا، غفاری؛ و حسین، رضائی. تهران: نشر کویر.
- فتحی و اجارگاه، ک. (۱۳۸۱). برنامه درسی تربیت شهروندی، الویتی پنهان برای نظام آموزش و پرورش ایران، **پژوهش علوم انسانی**. دانشگاه اصفهان: شماره ۱۴.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۴). **چشم‌انداز جهانی**. ترجمه: محمدرضا، جلاتی‌پور. تهران: نشر طرح نو.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۳). **جامعه‌شناسی**. ترجمه: منوچهر، صبوری. تهران: نشر نی. چاپ ۱۳.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۷). **جامعه‌شناسی**. ترجمه: منوچهر، صبوری. تهران: نشر نی. چاپ ۲۲.
- گل محمدی، الف. (۱۳۸۰). **تجدد، جهانی شدن و هویت خاص‌گرایی فرهنگی در جهان معاصر**. پایان‌نامه دکتری.
- گل محمدی، الف. (۱۳۸۱). **تعاریف و ابعاد جهانی شدن، فصلنامه مطالعه ملی**. سال سوم، شماره ۱۱.
- گل محمدی، الف. (۱۳۸۰). **جهانی شدن و بحران هویت**. تهران: **فصلنامه مطالعات ملی**. سال سوم، شماره ۱۰.
- ۳۳- میرمحمدی، د. (۱۳۸۱). **جهانی شدن، ابعاد و رویکردها**. تهران: **فصلنامه مطالعات ملی**. شماره ۱۱، سال سوم.
- مشهدی، ف. (۱۳۸۸). **نقش خانواده در سرمایه اجتماعی فرزندان**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تبریز.
- مؤمنی، ح؛ و همکاران. (۱۳۹۲). **اینترنت و هویت ملی**. **فصلنامه مهندسی فرهنگی**. سال هشتم، شماره ۷۶.



- سیدنورانی، م. ر. (۱۳۷۹). **جهانی شدن و کشورهای در حال توسعه در ایران**. تهران: انتشارات اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۵۵ و ۱۵۶.
- نوذری، ح. ع. (۱۳۷۹). **صورت‌بندی مدرنیته و پست مدرنیته بسترهای تاریخی و زمینه‌های تکامل اجتماعی**. تهران: نشر نقش جهان، چاپ سوم.
- همیلتون، م. (۱۳۷۹). **جامعه‌شناسی دین**. ترجمه: محسن، ثلاثی. تهران: نشر ثالث، چاپ دوم.
- هابرماس، یورگن. (۱۳۸۴). **جهانی شدن و آینده دموکراسی، منظومه پساملی**. ترجمه: کمال، پولادی. تهران: نشر مرکز.
- براند، مورفی؛ و وال، هالی. (۱۳۸۲). **مدیریت بحران و سرمایه اجتماعی**. بی‌جا، بی‌نا، صص ۲۶۳-۲۶۲.
- Partridge, Christopher. (2004). **Alternative spirituality, new Religions and the Reenchantment of the west**. Oxford Hand book of New Religious movments, ed. James R. lewis, oxford university press, New York.
- Panave of dysay. (2009). **Globalization; innovation and social capital**. the changing face indo-french cooperation in science and technology of policy studies; faculty of social sciences its javaharlal university